

پریشادخت شعر

۴

محمود مشرف آزادتهرانی که او را با نام «م. آزاد» می‌شناسیم، در این کتاب، زندگی و شعر فروغ فرخزاد را روایت می‌کند. م. آزاد در این کتاب، شناختی از زندگی، تحلیلی از آثار، در آینه‌آرا و نمونه‌هایی از شعرها را آورده است تا تصویری روشن و دقیق از زندگی، شعر، و اندیشه فروغ فرخزاد را به خواننده بدهد. نثر دلنشین او خواندن این کتاب را برای هر خواننده‌ای جذاب می‌کند؛ چراکه نثر شاعرانه او شکلی از داستان‌گویی را با خود دارد که متن را برای خواننده پرکشش کرده است...

از گمشدگی تا رهایی

۵



«از گمشدگی تا رهایی» در تکنیک شعری او با این فصل‌ها همراه است: دوران گمشدگی و ناآگاهی فروغ، دوران خودیافتگی و آگاهی فروغ، دوران از خودگذشتگی و رهایی فروغ، در جست‌وجوی دو دست سبزه جوان، سالشمار زندگی فروغ و بهترین شعرهای فروغ. محمود نیک‌بخت منتقد و پژوهشگر برجسته در این کتاب، تصویر تازه‌یاب از فروغ ارائه می‌دهد که هر خواننده‌ای را شگفت‌زده می‌کند...

پنج آب‌تنی

۶



کتاب حاضر متشکل از چند مقاله درباره شعر و شخصیت فروغ فرخزاد نوشته‌سایه اقتصادی‌نیا منتقد و پژوهشگر ادبی که نوشته‌های او خواننده‌های فراوانی در میان نسل جدید دارد، است. موضوع هر مقاله مستقل است، اما هم‌کناری و باهم‌خوانی آنها می‌تواند به ترسیم تصویری جدید از حضور ادبی و تاریخی فروغ فرخزاد یاری رساند و مخاطبان را به برداشت‌هایی نو از برخی اشعار او و بعضی دقایق زندگینامه‌ای رهنمون شود...

این دفتر شعر را بدل به حادثه‌ای مهیب و بی‌نظیر می‌کند. زبان او و مسائل ذهنی‌اش بر لب پرتگاه ابتدال در حرکت و جریان است و شگفتا که اهل سقوط و درغلتیدن نیست. برای مثال همه ما پرواز پرندگان در ارتفاع کم را دیده‌ایم و اگر از ما بپرسند چه دیدیم، بلافاصله خواهیم گفت: پرنده‌ای را دیدیم که در ارتفاع کمی پرواز می‌کرد. اما همین گزاره ساده و ملموس برای فروغ، مضمونی شاعرانه می‌شود و به‌مدد ترکیب‌های وصفی بدیع، جان می‌گیرد:

پرنده روی هوا

و بر فراز چراغ‌های خطر

در ارتفاع بی‌خبری می‌پرید

و لحظه‌های آبی را

دیوانه‌وار تجربه می‌کرد...

فروغ اگر همان فروغ قدیم بود و صرفاً آزموده‌هایش را می‌آزمود، احتمالاً این پرنده را عاشقی محزون و دل‌شکسته می‌یافت که در فراق جفتش می‌سوزد و نهایتاً به این نتیجه می‌رسید که این پرنده سرنوشتی یکسان با خود او دارد. اما در «تولد دیگر» و در اثر «تجربه»‌های نو، کمتر اهل توضیحات و توصیفات ملال‌آور و مکرر است و در نهایت اختصار می‌گوید:

پرنده

آه، فقط یک پرنده بود!

در «تولد دیگر»، البته شعرهایی هست که منطقی در این دفتر جایی نداشته‌اند و اندک نسبتی با زایش فکر و شعر فروغ ندارند. «شعر سفر» نمونه‌ای از همین شعرهاست که به یک‌دستی «تولد دیگر» آسیب می‌زند؛ با اختتامیه‌ای سخت قابل پیش‌بینی و دست‌فروغ:

آه اکنون تو رفته‌ای و غروب

سایه‌ای می‌گسترده به سینه راه

نرم‌نرمک خدای تیره غم

می‌نهد پا به معبد نگهم

می‌نویسد به روی هر دیوار

آیه‌هایی همه سیاه سیاه

یا شعر «عاشقانه»:

ای شب از رویای تو رنگین شده

سینه از عطر توام سنگین شده

ای به روی چشم من گسترده خویش

شادی‌ام بخشیده از اندوه پیش

اما به‌نظر سخت‌گیرترین و بدبین‌ترین منتقدان ادبی نیز درج یکی دو شعر سست و ناتندرست از ارزش و اعتبار کلیت یک مجموعه‌ی شعر نمی‌گاهد. امروز دیگر همه می‌دانیم «تولد دیگر» به ابراهیم گلستان (یا همان ا. گ) تقدیم شده که فروغ در آن روزگار با او مرادواتی داشت. نیز مشهور است که فروغ عمیقاً تحت‌تأثیر گلستان بود و حاصلش را در این شعرها می‌توان دید. باری، سطرهای آغازین این شعر می‌تواند حال‌وهوا، و فضای کلی حاکم بر ذهن و زبان شعر فروغ را به‌تمامی ترسیم کند. او به شاعران بعد از خود می‌آموزد که شعر با حزن مقتدرانه و تجربه‌های نو و استمرار و اختصار و ابدیت، پیوندی دیرینه و جاودانه دارد؛ پیوندی که اگر چه دیر، اما بالاخره از پشت پرده بیرون می‌آید:

همه هستی من آیه تاریکی است

که تو را در خود تکرارکنان

به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی خواهد برد

من در این آیه تو را آه کشیدم، آه

من در این آیه تو را

به درخت و آب و آتش پیوند زدم...

نخستین شاخصه مهم شعر فروغ در «تولد دیگر»، رهایی از حصار فرسوده چهارپاره و تن‌دادن به ساخت شعر نیمایی است. فروغ، خود نیز به اهمیت این دفتر شعر معترف است و رمز آن را درک درست شعر نیما می‌داند. شعر نیما برای او «مرحله‌ای بود از زندگی شعری» و اگر شعر او «تغییری» کرده «بدون شک از همین مرحله و همین آشنایی» آغاز شده است. شاعر «تولد دیگر»، با استفاده از مصراع‌های کوتاه، تصویرها و تعبیرهایی خلق می‌کند که در عین تازگی و طراوت، به گوش ما آشنا می‌آیند و در جریان روایت مسیری هموار را می‌پیمایند:

آن روزها رفتند

آن روزهای برفی خاموش

کز پشت شیشه، در اتاق گرم

هردم به بیرون خیره می‌گشتم

پاکیزه برف من چو گرگی نرم

آرام می‌بارید.

یا در شعر «دریافت»:

در حباب کوچک

روشنایی خود را

در خطی لرزان خمیازه کشید.

برتری مطلق و چشم‌گیر چهارمین دفتر شعر فروغ نسبت به آثار قبلی او البته بدین معنا نیست که «تولد دیگر» هیچ ربطی به سه دفتر شعر نخست او ندارد. فروغ پیش از اینها ثابت کرده بود که شاعر مستعدی است و درک و فهم شاعرانه‌ای از آفاق و انفس دارد. شعر فروغ در همه دفترها، اصیل می‌نماید و اصلاً ساختگی نیست. پس گزاف نیست اگر بگوییم شعر از قلم او می‌بارد و می‌پراکند. پرهیز از تصنع و تقلید به‌رحال ویژگی شاخص و همیشگی شعر اوست و این موفقیت نصیب معدود شاعری در ادبیات معاصر ما شده است. فروغ نه مثل اخوان ثالث است که راوی قصه‌های کهن و اسطوره‌ای باشد و شعر را از اشارات و تشبیهات این چنینی آکنده کند و نه مانند احمد شاملو است که در آینه شعرش، مسائل حاد اجتماعی را بازتاب دهد و تا سر حد وسواس، زبان آن را پخته و سخته سازد. شعر فروغ، شعر پرتلطنه و هیمنه‌ای نیست و کمتر به بیرون از جهان خود ارجاع می‌دهد. در عوض، هموار و ساده و صاف است.

شعر فروغ اصطلاحاً بر لبه تیغ حرکت می‌کند؛ چراکه از سویی اهل تفرعن و تفاخر نیست و به کهن‌گرایی در زبان علاقه‌ای ندارد و از سوی دیگر به مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگ و تاریخ ایران اعتنا و اشاره چندانی نمی‌کند و به همین دو دلیل است که از جهان شعر شاملو و اخوان فاصله معناداری می‌گیرد. در این نقطه است که فروغ می‌کوشد در شعر، هویت خود را بجوید و مسیر تازه و پیموده‌نشده‌ای را پیش پا نهد.

لحن و بیان او صمیمی است و محتوای شعرش عمدتاً مسائل روزمره و در دسترس است. حسرت گذشته‌های نه‌چندان دور، گفت‌وگو با طبیعت، حواس پنج‌گانه و درک و دریافت آنها، وصل و هجران و تنهایی و غربت نوع بشر، عمده مضامین و موضوعات «تولد دیگر» است که در شعرهای قدیم‌تر او هم بروز و ظهور داشت. اما تفاوت شعرهای «تولد دیگر» با دیگر شعرهای او، در ساخت و پرداخت‌های شاعرانه و دور و دست‌نیافتنی است. اگر بیان صریح احساسات و عبور سرسری و سطحی از کنار سطرها در دفترهای نخستین شعر فروغ، جهان شعر او را از عمق و ژرفا محروم می‌کرد، حالا و در «تولد دیگر»، مقداری خساست و سخت‌گیری در بیان ادراکات و نیز خلق تصاویر نو،



برتری مطلق و چشم‌گیر

چهارمین دفتر شعر

فروغ نسبت به آثار

قبلی او البته بدین

معنا نیست که «تولد

دیگر» هیچ ربطی به

سه دفتر شعر نخست

او ندارد. فروغ پیش از

اینها ثابت کرده بود که

شاعر مستعدی است و

درک و فهم شاعرانه‌ای

از آفاق و انفس دارد.

شعر فروغ در همه

دفترها، اصیل می‌نماید

و اصلاً ساختگی نیست.

پس گزاف نیست اگر

بگوییم شعر از قلم او

می‌بارد و می‌پراکند.

پرهیز از تصنع و تقلید

به‌رحال ویژگی

شاخص و همیشگی

شعر اوست و این

موفقیت نصیب معدود

شاعری در ادبیات

معاصر ما شده است